

بررسی ساختارهای اقتصادی ارداویراف‌نامه

علی ربیع‌زاده*

میرزا محمد حسینی**

چکیده

ارداویراف‌نامه یکی از متون پهلوی ساسانی است که شرح معراج موبدی به نام ارداویراف به بهشت و دوزخ در آن نگاشته شده است. هرچند این اثر دارای درون‌مایه‌ای دینی است، اما بسیاری از ساختارهای اقتصادی نظام ساسانی را می‌توان در آن یافت. این تحقیق به شیوه اسنادی کتاب‌خانه‌ای بر پایه تحلیل محتوا انجام شده است و در پی یافتن رد پای ساختارهای اقتصادی نظام ساسانی در ارداویراف‌نامه است و هدف آن اعتبارسنجی این کتاب است. در این تحقیق نخست ساختارهای اقتصادی کتاب بررسی و سپس با ساختارهای اقتصادی نظام ساسانی مقایسه می‌شود و نتیجه تحقیق چنین است که ساختارهای اقتصادی کتاب کاملاً هماهنگ و هم‌سو با ساختارهای اقتصادی نظام ساسانی است و لذا این کتاب می‌تواند به منظور منبعی معتبر برای بررسی ساختارهای جامعه ساسانی مورد استفاده محققان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ارداویراف‌نامه، ساختارهای اقتصادی، ساسانی، زرتشت، متون پهلوی.

۱. مقدمه

ارداویراف‌نامه شرح معراج موبدی ساسانی به نام ارداویراف است که با خوردن می و منگ به جهان روحانی می‌رود و شرح سفرش را دبیری کتابت می‌کند. این اثر احتمالاً در اواخر

* کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود و دبیر آموزش و پرورش شهرستان دامغان
(نویسنده مسئول) a506506506@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود mohamadhassani68@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۹

دوره ساسانی به زبان پهلوی نگارش یافته و جزو کتب دینی زرتشتیان به شمار می‌رفته و در بین زرتشتیان ایران و هند از اهمیت مذهبی بسیاری برخوردار بوده است. *ارداویراف‌نامه* را نخستین بار زرتشت بهرام پژدو، شاعر زرتشتی مذهب قرن هفتم هجری، به نظم فارسی درآورد، اما تاکنون تحقیقی همه‌جانبه بر روی تمامی ساختارهای *ارداویراف‌نامه* انجام نشده است و تحقیقاتی که تاکنون انجام شده موردی بوده و بخشی از ساختارهای کتاب را در بر می‌گرفته است. برای نمونه، بارتلمی (Bartholomae)، خاورشناس فرانسوی، در سال ۱۸۸۷ میلادی ترجمه‌ای از این کتاب به زبان فرانسه تهیه کرده و در مقدمه کتاب خود موضوع کتاب و سوابق تاریخی را به طور خلاصه بیان داشته است و سپس یک تفسیر برای روشن شدن قسمت‌های مختلف کتاب آورده و در پایان فهرستی بر آن افزوده است. رشید یاسمی (۱۳۱۴)، عقیقی (۱۳۴۲)، مهرداد بهار (۱۳۶۲) و ژاله آموزگار (۱۳۷۲) نیز هر یک جداگانه *ارداویراف‌نامه* را به فارسی ترجمه کرده‌اند و هر یک در مقدمه کتاب خود نقدهایی درباره آن نوشته‌اند. مهرداد بهار تحقیقات گسترده‌ای درباره *ارداویراف‌نامه* انجام داده است. از جمله جایگاه زن در *ارداویراف‌نامه* و هم‌چنین بهشت و دوزخ را در این کتاب بررسی کرده و ترجمه کامل آن را در کتابی با عنوان *پژوهشی در اساطیر ایران* آورده است.

تازه‌ترین تحقیق درباره این کتاب اثر داریوش کارگر است. او برای نخستین بار شش دست‌نوشته کتاب را تصحیح و آن را با روایت پهلوی مقایسه کرد و به صورت پژوهشی مفصل به عنوان رساله دکتری خود، در ۲۰۰۹ میلادی از سوی دانشگاه اوپسالا (Uppsala) در سوئد به چاپ رسانید. بر پایه پژوهش کارگر، *ارداویراف‌نامه* اثری حماسی و متعلق به دوره پیش‌زرتشتی در ایران است که بعدها جامعه موبدان از آن استفاده کردند و به‌مرور تفصیل بیش‌تر یافته و شکل دینی پیدا کرده است. کارگر در پژوهش خود نشان داد که در متن کنونی فارسی زرتشتی هنوز نشانه‌هایی از غیر دینی بودن این اثر بر جای مانده که آن را از روایت دینی متمایز می‌کند.

این محققان عمدتاً به ساختارهای دینی، اخلاقی، و سیاسی کتاب پرداخته‌اند و از بررسی ساختارهای اقتصادی کتاب غفلت کرده‌اند؛ لذا نگارنده در این تحقیق سعی می‌کند تا با بررسی ساختارهای اقتصادی کتاب بخشی از کار ناتمام این نویسندگان را به اتمام برساند و با بهره‌گیری از تحقیقات مورخان پیشین و تکمیل آن‌ها سیمای کامل‌تری از این منبع دوره ساسانی ارائه نماید. فرضیه‌ای که ما در این تحقیق در پی اثبات آن هستیم این‌گونه بیان می‌شود: به نظر می‌رسد می‌توان رد پای از ساختارهای اقتصادی جامعه ساسانی مانند مشاغل گوناگون و درجه اعتبار و اهمیت آن‌ها، خوراک، پوشاک، مسکن، و

محصولات فناوری آن دوره را در مفاهیم کتاب مشاهده کرد. برای اثبات این فرضیه در این تحقیق مشاغل گوناگون و اهمیت آن‌ها، شیوه‌های داد و ستد، حمل و نقل و بازرگانی، و رد پای سه مقوله اصلی خوراک، پوشاک، و مسکن در کتاب بررسی و با متون پهلوی مقایسه می‌شود. هدف از انجام این تحقیق اعتبارسنجی *ارداویراف‌نامه* به عنوان یک منبع دوره ساسانی است. شیوه تحقیق در این طرح اسنادی - کتاب‌خانه‌ای، بر پایه تحلیل محتوا، و ابزار کار فیش‌برداری است.

۲. رد پای مشاغل گوناگون جامعه ساسانی در *ارداویراف‌نامه*

۱.۲ روحانیون

روحانیون نخستین طبقه از چهار طبقه بزرگ جامعه ساسانی‌اند و خود این طبقه نیز به چندین زیر طبقه تقسیم می‌شود. طبقات روحانیون زرتشتی به کرات در کتاب معرفی شده‌اند، از جمله در فصل نخست: «او او بسیاری از دستوران و هیربدان و موبدان و موبدان و دین‌برداران و افزامندان و دانایان ایرانشهر را بکشت» (*ارداویراف‌نامه*، ۱۳۷۲: ۴۲). دستور مقام روحانی‌ای بود که نگهبان سنت‌های مقدس و پیشوای جامعه زرتشتی بود. این مقام احتمالاً در دوران متأخرتر به وجود آمده است و نشان‌دهنده دست‌کاری و تحریف در مطالب کتاب در دوره اسلامی است. هیربد مقام روحانی مسئول مراسم و به‌خصوص عهده‌دار آموزش است و در رتبه پایین‌تری نسبت به موبد قرار دارد و موبد به روحانی درجه یک زرتشتی اطلاق می‌شود که در هر شهر در کنار شهرد مقام بالا و اختیارات زیادی داشت. درجات روحانیون در دوره ساسانی از پایین به بالا عبارت بودند از: مغان، هیربدان، موبدان، هیربد هیربدان و موبد موبدان. در *وندیداد* و *ویسپرد* طبقات روحانیون ۷ طبقه ذکر شده است (یشت‌ها، ۱۳۷۷: ۱/ ۶۹). در برخی از فصول *ارداویراف‌نامه* از جمله فصل ۱۴ به جای نام موبدان القاب آن‌ها ذکر شده است، مانند: *یزش‌گران* و *مشرگویان* (دعاگویان) و *ردخدایان* (پیشوایان دینی).

۲.۲ ارتشتاران

ارتشتاران یا سپاهیان یکی دیگر از طبقات قدرتمند دوره ساسانی بودند که در چندین بخش از کتاب ستوده شده‌اند از جمله:

و دیدم روان ارتشتاران را که در برترین رامش و در اندیشه‌ای شادمانه راه می‌رفتند، با

جامه دهبان، با زین افزار گردان خوب ساخته شده، از زر ساخته شده و گوهرافزوده، درخشان همه زینت یافته در ارابه و گردونه شگفت با شکوه و نیرومندی و پیروزگری بسیار (ارداویرافنامه، ۱۳۷۲: ۵۹).

۳.۲ شبانان

یکی دیگر از مشاغل رایج در دوره ساسانی شبانی بود که جزو طبقات پایین اجتماعی به شمار می رفت. با وجود این، به دلیل مالیات وسیعی که به دولت می پرداخت از نظر اقتصادی جزو مشاغل مهم و درآمدزا به حساب می آمد و بخش عمده ای از جمعیت روستایی و عشایر دوره ساسانی را شامل می شد. این شغل نیز در ارداویرافنامه ستوده شده است:

و دیدم روان شبانانی که در گیتی چهارپای و گوسفند را مراقبت کردند و آن‌ها را پروردند و از گرگ و دزد و مردم ستم کار نگاه داشتند و هر وقت موقعش بود به آن‌ها آب و گیاه و خوراک دادند و از سرما و گرمای سخت نگاه داشتند و در زمان خود به آن‌ها نر دادند و آن‌ها را مطابق قانون نگاه داشتند و سود بزرگ بسیار و بهره و نیکی و خوراک و جامه به مردمان جهان دادند (همان: ۶۰).

در بندهش نیز به نگه داری از گوسفندان تأکید و سفارش بسیاری شده است (عفیفی، ۱۳۸۳: ۴۶۹).

۴.۲ دهبد

دهبد یا پیشوای ده مهم ترین واحد اجتماعی در جامعه روستائین دوره ساسانی بوده است که در ارداویرافنامه بدان اشاره شده است. آن‌ها ملاکین بزرگ بودند که بیشترین میزان مالیات را پرداخت می کردند و نقش مهمی در اقتصاد ساسانی ایفا می کردند.

۵.۲ سالار

منظور فرمانده و رئیس سپاه است که جزو طبقات اجتماعی اداره کننده بود. در ارداویرافنامه فقط نام آن ذکر شده است.

۶.۲ کشاورزان

در دین زرتشتی کشت زمین از اعمال بسیار مهم مذهبی شمرده می شد. در فصل چهارم

مینوی خرد وقتی دانا از مینوی خرد می‌پرسد که کدام زمین شادتر است؟ او فهرستی در پاسخ ارائه می‌دهد که بازتاب ذهنیت جامعه زرتشتی ساسانی است:

آن زمین شادتر ... که گاوان و گوسفندان در آن خوابند ... زمین کشت‌نشده و ناآبادان
هنگامی که آن را باز به کشت و آبادانی آورند ... وقتی زمین ویرانی را آباد کنند ...
(مینوی خرد، ۱۳۷۶: ۲۹).

شیوه اصلی تولید و منبع درآمد و امرار معاش مردم در دوره ساسانی کشاورزی بود. ساسانیان به توسعه کشاورزی بسیار علاقه‌مند بودند و قنوات، سدها، و آب‌بندهای بسیاری در سراسر کشور ساختند، اما برخلاف تمرکز ثروت در بخش کشاورزی، کشاورزان عملاً قدرتی نداشتند و عمدتاً جزو طبقات فقیر و روستائین بودند. با وجود این، روان آن‌ها در *اردویراف‌نامه* از جایگاه بالایی برخوردار است و دلیل آن نیز نقش مثبت آن‌ها در اقتصاد جامعه است. در فصل ۱۴ *اردویراف‌نامه* روان کشاورزان به درخشندگی ستارگان معرفی شده و مینوی آب و زمین و گیاهان و گوسفند را دعاگوی آن‌ها دانسته است.

۷.۲ صنعت‌گران

در *اردویراف‌نامه* در ستایش روان صنعت‌گران می‌خوانیم:

و دیدم روان صنعت‌گران که در گیتی فرمان‌روایان و سالاران را خدمت کردند. هنگامی که برگاهی خوب گسترده، بزرگ و روشن و درخشان نشسته بودند و این به نظر من بسیار ستایش‌آمیز آمد (*اردویراف‌نامه*، ۱۳۷۲: ۶۰).

صنعت‌گران و پیشه‌وران جزو طبقات پایین شهری بودند که همه خدمات شهری بر عهده آن‌ها بوده است. در *شاهنامه*ی فردوسی از کفش‌گری نام برده شده است که در دوره انوشیروان می‌زیسته و توانایی مالی او به حدی بوده که می‌توانسته آذوقه همه لشکر انوشیروان را تأمین کند و در قبال این خدمت از انوشیروان می‌خواهد که به فرزندش اجازه تحصیل دهد که با مخالفت انوشیروان مواجه می‌شود. صرف نظر از صحت یا سقم این داستان، تمول برخی از پیشه‌وران در آن دوره درخور توجه است.

۸.۲ کدخدایان و دهقانان

کدخدایان و دهقانان مالکان زمین‌های روستایی بودند که در رده‌های پایین طبقاتی جای

داشتند و در جامعه ساسانی، که بیش‌تر اقتصاد آن حول و حوش کشاورزی می‌چرخید، بیش‌ترین حجم مالیات را به دولت مرکزی پرداخت می‌کردند و بر خلاف مرتبه پایین طبقاتی از منظر اقتصادی جایگاه بالایی داشتند. در *اوستا* و بسیاری از متون پهلوی از جمله *ارداویراف‌نامه* شغل آن‌ها ستایش شده است:

و دیدم بسیار گاه زرین بستر خوب و بالش و فرش‌های شایسته بر روی آن‌ها روان
کدخدایان و دهقانانی نشسته بودند که ده و دودمان و میهن و ملک و جای ویران را آباد
کردند (همان: ۶۱).

۹.۲ آموزگاران

یکی از چهار طبقه اصلی در دوره ساسانی طبقه دبیران و آموزگاران بودند. آن‌ها برای آموختن و آموزش دادن به دبیرستان می‌رفتند، البته درباره آزاد بودن و یا ممنوع بودن آموزش همگانی نمی‌توان بر اساس *ارداویراف‌نامه* نظر قاطعی داد؛ چراکه در این کتاب فقط به ستایش دانش و آموزگاران پرداخته و بدان بسنده کرده است:

«و دیدم روان استواران و آموزگاران و پژوهندگان درگاهی روشن و در بزرگ‌ترین شادی و این به نظر من بسیار ستایش‌آمیز آمد» (همان: ۶۱).

۱۰.۲ دبیران

دبیران در سومین طبقه مشاغل دوره ساسانی جای می‌گرفتند و افراد باسوادی بودند که در دبیرستان‌ها آموزش می‌دیدند. در فصل ۳ کتاب ارداویراف پس از بازگشت از معراج از موبدان می‌خواهد که دبیری دانا و فرزانه بیاورند تا شرح سفرش را بنویسد و موبدان نیز اجابت می‌کنند.

۱۱.۲ وکیل مدافعان و آشتی خواهان

در فصل ۱۵ کتاب روان وکیل مدافعان و آشتی خواهان ستایش شده است. وجود چنین شغل و مقامی در دوره ساسانی خود نمایان‌گر جامعه مدنی پیش‌رفته و دستگاه قضایی گسترده‌ای بوده است. البته قوه قضایی در این دوره زیر نظر روحانیون اداره می‌شده و موبدان بر آن نظارت کامل داشته‌اند.

۱۲.۲ قاضیان

در فصل ۶۷ کتاب ارداویراف از مجازات مردی سخن می‌گوید که خود با داسی در دست سینه و بغل خود را می‌درید و میخی آهنین در چشمش زده بودند. شغل این مرد میانجی‌گری یک شهر بوده و جرمش گوش نکردن به شکایت درویشان و مسافران بود و این‌که در پیمان‌ها تقلب می‌کرده است. البته وظیفه دوم که به توزین غلات بازمی‌گردد خود جای بحث دارد و به نظر نگارنده گویا یکی از وظایف قاضی که خود از موبدان بوده دستگیری از درویشان بوده است و قاضی می‌بایست نذورات و خیرات را به درستی میان نیازمندان تقسیم می‌کرده و در این جاست که قاضی تبه‌کار پیمان‌ها را کم گرفته و خواربار نیازمندان را به سود خویش ضبط کرده و مستوجب این کفاره سنگین شده است.

۱۳.۲ بازرگانان

فعالیت اصلی بازرگانان و فروشندگان در شهرها انجام می‌شد. هر گروه از کسبه و پیشه‌وران قسمت ویژه‌ای از بازار را در اختیار داشتند، این نکته در کتاب دینکرد (کتاب هشتم، فصل ۳۸) ذکر شده و نشان می‌دهد که نظم و قاعده خاصی داشته است (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). عدول از این نظم مجازات سنگینی داشته است، به گونه‌ای که در فصل ۲۷/رداویراف‌نامه از عذاب روان مردی سخن رفته است که کم‌فروشی می‌کرده و آب به می‌افزوده و خاک به غلات می‌کرده و آن را به بهای گرانی می‌فروخته است. فروشندگان جزو معدود مشاغلی‌اند که در ارداویراف‌نامه نکوهش شده‌اند و این نشان می‌دهد که در جامعه ساسانی فروشنده‌گی و بازرگانی جایگاه پایینی در اقتصاد داشته و میزان مالیاتی که دولت از این شغل می‌گرفته بسیار ناچیز بوده است. این نگاه منفی به فروشنده‌گی و تجارت در دیگر متون پهلوی نظیر مینوی خرد نیز به کرات مشاهده می‌شود.

۳. دست‌سازهای یادشده در ارداویراف‌نامه (محصولاتی با کارکرد دوگانه)

با کنکاشی در این کتاب می‌توان به نام برخی از ابزارها و محصولات دست‌ساز متداول در دوره ساسانی دست یافت که کاربردی مذهبی برای آن‌ها لحاظ شده است. محصولات مانده:

۱.۳ سنگ و قفیز و ترازو و دلو

دستگاه‌های اندازه‌گیری وزن و زمان و یا ابزار نقشه‌برداری در ایران باستان کاربرد وسیعی داشته‌اند؛ زیرا ایرانیان به دلیل ضروریات نظام زراعی و تأکید حکومت‌هایشان به امور گاه‌شماری و زمان‌سنجی دقت تمام مبذول می‌داشته‌اند (سلیم، ۱۳۹۰: ۷۸).

قفیز ابزار و پیمان‌های برای اندازه‌گیری غلات بوده که در چندین جای کتاب از آن یاد شده است از جمله در فصل ۸۰ می‌خوانیم:

«... سروش اهلو و آذر ایزد گفتند که: این روان آن دروندانی است که در گیتی سنگ و قفیز و دیگر پیمان‌ها را کم داشتند و به مردمان چیز فروختند» (ارداویراف‌نامه، ۱۳۷۲: ۸۰).

در فصل ۵ کتاب نیز از ایزد رشن یاد شده است، در حالی که ترازوی زرد زرینی در دست دارد و با آن کارهای اهلوان و دروندان را اندازه می‌گیرد. رشن ایزد دادگری و یکی از داوران روز جزاست و به گفته بندهش: شاهین ترازوی او چکاد دائیتی است (فرنغ دادگی، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

مینوی خرد نیز مطابق ارداویراف‌نامه از وظیفه رشن و هم‌راهانش در دادگری روز واپسین سخن گفته است:

پس از آن‌که روح سه روز در بالای سر کالبد مرده پاسبانی نمود در صبح روز چهارم به هم‌راهی سروش مقدس و باد نیک و بهرام توانا از ستیزه اهریمن و یارانش رهایی یافته از پل چینوت می‌گذرد. آن‌گاه رشن راست ترازو دار اعمال را می‌سنجد کفه ترازو را به هیچ طرف متمایل نسازد سر مویی خطا نکند نه از برای پاکان و نه از برای ناپاکان نه از برای گدا و نه از برای شاه با همه یک‌سان رفتار کند خواه توان‌گر خواه درویش (یشت‌ها، ۱۳۷۷: ۱ / ۵۶۳).

در فصل ۲۷ کتاب از قفیز در کنار دلو و سنگ نام برده شده است که مردی در کار با آن‌ها تقلب می‌کرده است. قفیز در این جا پیمان‌ها و واحد اندازه‌گیری غلات و دلو نیز ظرف اندازه‌گیری مایعات بوده است.

۲.۳ میخ چوبی

این میخ در نجاری برای اتصال انواع تخته کاربرد داشته است و یکی از کاربردهای آن مطابق نص کتاب جهت شکنجه مجرمان در دوزخ است و به احتمال زیاد در دوره ساسانی نیز از آن برای مجازات مجرمان استفاده می‌شده است:

«پس دیدم روان‌هایی که بر زبانشان میخ چوبی رسته بود نگون‌سار به دوزخ فرو می‌رفتند و دیوان با شانه آهنین همه تن ایشان را می‌کنند» (رداویراف‌نامه، ۱۳۷۲: ۹۵).
و در فصل ۶۹ آمده:
«و دیدم روان‌زانی که در دو چشم آنان میخ چوبی زده بودند...» (همان: ۸۵).

۳.۳ میخ آهن

در فصل ۷۹ کتاب از مجازات وحشتناک مردی سخن می‌گوید که هر دو چشمش را کنده بودند و زبانش را بریده بودند و با شانه دوشاخ تنش را رنده می‌کردند و میخی آهنی را به سرش زده بودند، این تصویر ترسناک احتمالاً در عالم واقعیت نیز نمود داشته است.

۴.۳ شانه آهنی

در کنار شانه‌هایی از جنس چوب و عاج فیل که برای آرایش موها استفاده می‌شده است، در فصل ۷۹ کتاب از نوعی شانه دوشاخ روئین نام برده شده که از آن برای رنده کردن تن مردی که داوری دروغزن بوده استفاده شده است و در فصل ۸۷ کتاب نیز روان‌زنی که به فرزندش شیر نداده با شانه‌ای آهنی تن و روی خویش را رنده می‌کند. در فصل ۹۹ کتاب دیوان از آن برای کندن تن مردمانی که نسبت به فرمان‌روایانشان نافرمانی کرده‌اند استفاده می‌کنند.

۵.۳ آب زر

در فصل نخست کتاب از نوشتن *زند و اوستا* با آب زر بر روی پوست‌های آراسته گاو سخن رفته است. این کتاب‌ها در دژنپشت (احتمالاً در کعبه زرتشت) در استخر پاپکان نگه‌داری می‌شده و اسکندر آن‌ها را سوزانده است. از آن‌جا که کاغذ هزاران سال پیش به وسیله مصری‌ها و چینی‌ها اختراع شده بوده، ساسانیان نیز از آن استفاده می‌کردند و از آب زر فقط برای نوشتن متون بسیار مقدس و مهم مانند *اوستا* بر روی پوست گاو استفاده می‌شده است. در فصول دیگر کتاب هر جا که چیز مهمی را خواسته گوش‌زد کند از فلز زر (طلا) یاد کرده است. برای نمونه در فصل نخست ارداویراف می‌ و منگ را در جامی زرین می‌آشامد و در فصل ۱۲ روان معتقدان به دین مزدیسنا را در جامه‌ای زینت‌یافته با زر و روان

پادشاهان نیک‌سیرت را در ارابه‌هایی زرین تصویر کرده است و در فصل ۱۳ کتاب نیز روان زنان فرمان‌بردار شوی را در جامه‌ای زینت‌یافته از زر و سیم و گوهر تصور کرده است. همان‌طور که پیش‌تر در بخش صنایع ساسانی گفتیم گوهر و مروارید خلیج فارس یکی از صادرات باارزش ایران در دوره ساسانی بوده است که به روم و چین فرستاده می‌شده است.

۶.۳ نیزه

نیزه علاوه بر ابزاری جنگی در فصل نخست کتاب ابزاری دینی است، به طوری که به استناد کتاب موبدان سه بار نیزه آزمایش دینی می‌اندازند و هر سه بار نیزه به سوی ویراز می‌آید. این سه بار نیزه انداختن نوعی آزمایش دینی بوده که با توجه به تقدس عدد سه و به نام اندیشه و گفتار و کردار نیک انداخته می‌شده است (همان: ۴۶).

کاربرد دیگر نیزه به عنوان وسیله اندازه‌گیری بوده است. چنان‌که در فصل ۵ کتاب می‌خوانیم: «و پس از آن پل چینود به اندازه نه نیزه پهن شد» (همان: ۵۳).

در متن پهلوی *داتستان دینیک* نیز به کاربرد نیزه به منزله واحد اندازه‌گیری اشاره شده است:

یشتی بکنند و زمین سه نیزه بالا باز شود، به سوم یشت ... به چهارم یشت سه بیور نیزه بالا باز شود، به پنجم یشت به ستاره پایه رسد و گرزمان از آن‌جای فرود به ستاره پایه آید (عقیفی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

۷.۳ سروش اوچرنام

تنبیهی برای حدی از گناه بوده «معنی این واژه را چوب‌دستی که پیشوایان برای تنبیه گناه‌کاران در دست می‌گرفته‌اند نوشته‌اند» (همان: ۵۶۱). در فصل ۶ کتاب از این تازیانه نام برده شده است که برای انضباط دینی به کار می‌رفته است و در عالم روحانی نیز از آن به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری اعمال نیک استفاده می‌شد.

۸.۳ ارابه زرین و گردونه

این دو محصول دست‌ساز باستان جهت حمل و نقل و گاه در جنگ استفاده می‌شد و صفت زرین در کنار آن‌ها نشان‌دهنده ارزش مقام استفاده‌کننده از آن‌هاست. در فصل ۱۲

کتاب این اربابه‌ها به پادشاهان و فرمان‌روایانی اختصاص دارد که دارای صفات بزرگی، خوبی، نیرومندی، و پیروزگری‌اند.

۹.۳ زین‌افزار

بر خلاف اعراب و قبایل ترک و مغول که بر اسبانی برهنه سوار می‌شدند و می‌جنگیدند، سوارکاران ایرانی بر اسبانی مجهز به زین‌افزاری تزئین‌شده سوار می‌شدند. به این مطلب در فصل ۱۴ کتاب این‌گونه اشاره شده است:

و دیدم روان ارتشتاران را که در برترین رامش و در اندیشه‌ای شادمانه راه می‌رفتند، با جامه دهبان، با زین‌افزار گردان خوب ساخته‌شده از زر، ساخته‌شده و گوهرافزوده، درخشان همه زینت‌یافته در اربابه و گردونه شگفت با شکوه، نیرومندی و پیروزگری بسیار (ارداویراف‌نامه، ۱۳۷۲: ۵۹).

۱۰.۳ شکنج

همان ابزار شکنجه است که در فصل ۳۱ کتاب از آن نام برده شده، اما نوع آن را مشخص نکرده است.

۱۱.۳ داس

در فصل ۶۵ کتاب از این ابزار دروی محصولات کشاورزی برای بریدن پای کسانی استفاده شده است که در گیتی پدر و مادرشان را آزار دادند و توبه نکردند و در فصل ۶۷ نیز از مردی یاد شده است که به جرم نگه نداشتن سنگ و قفیز (کم‌فروشی) در حالی که میخی آهنی به چشمش زده بودند با داسی آهنی سینه و زیر بغلش را می‌برید.

۱۲.۳ خارپشت آهنی

گویی از جنس آهن و دارای خارهای تیز بر روی خود بوده است که زنجیر یا دسته‌ای جهت در دست گرفتن داشته و نوعی ابزار شکنجه در دوره ساسانی بوده است. در فصل ۷۰ کتاب از کاربرد این ابزار شکنجه برای تنبیه روان‌زنانی که در گیتی از شوهرشان نافرمانی کرده‌اند یاد شده است.

«و دیدم روان زنانی که نگون‌سار افکنده بودند و چیزی همانند خارپشت آهنی با خاری که از آن رسته بود در بدن آن‌ها فرو می‌رفت و بیرون می‌آمد...» (همان: ۸۵).

۱۳.۳ کاریز

کاریز یا قنات یکی از ابداعات ایرانیان در زمینه آبیاری زمین‌های کشاورزی است که تاریخ دقیق اختراع آن به آغاز دوران هخامنشی بازمی‌گردد. مردم آن دوره «در فن آبیاری و کندن کاریز پیش‌گام‌تر از همه ملت‌های جهان بودند و این فن نخست از ایران به ترکستان و افریقا برده شد» (سلیم، ۱۳۹۰: ۷۷).

در این شیوه آبیاری، ایرانیان با زدن نقب و چاه در دل زمین آب را از کیلومترها فاصله بدون صرف هیچ نوع انرژی‌ای به زمین‌های هموار دشت هدایت می‌کردند. در دوره ساسانی، که پایه اقتصاد کشور کشاورزی و دامداری بود، به حفر قنات توجه بسیاری می‌شد و لذا در فصل ۱۵/ ارداویراف‌نامه روان کدخدایان و دهقانانی که کاریز و رود و چشمه برای کشاورزی و آبادانی و بهره و سود مردمان آورده‌اند ستایش شده است.

۱۴.۳ پیخگ

به معنی گره است. نوعی چوب‌دستی با نه گره بوده که در تشریفات مذهبی (برش‌نوم) از آن برای تظهير استفاده می‌کردند. در فصل ۳۸ بند ۳ کتاب درباره آن می‌خوانیم:

و پرسیدم این تن چه گناه کرد؟ سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: این روان آن مرد دروندی است که در گیتی هیختر (چرک) و نسا (مردار) به آب و آتش و تن خود و نیز آن مردمان برد و همواره یک بار و ناپاک بود و خود را با پیخگ نشست (ارداویراف‌نامه، ۱۳۷۲: ۷۲).

۴. خوراک در ارداویراف‌نامه

خوراک یکی از سه نیاز اساسی انسان است و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ، هویت، و دین یک ملت دارد. با شناخت وضع تغذیه یک ملت می‌توان تا حدودی به هویت، فرهنگ، و دین آن ملت پی برد.

غذاها و امتعه‌ای که در کتاب ذکر شده‌اند، تمامی خوراکی‌هایی دارای رویکرد دینی‌اند.

۱.۴ می و مَنگ گشتاسبی

در فصل ۲ کتاب آمده: «پس دستوران دین سه جام زرین می و مَنگ گشتاسبی پر کردند ... به ویراز فرادادند» (همان: ۴۸). می گشتاسبی نیز گویا همان شراب هوم بوده که «مشروبی سکرآور بود که از گیاهی به عمل می‌آوردند» (گیرشمن، ۱۳۸۳: ۱۸۴) و مَنگ نیز «مادهٔ مخدري بوده که در پزشکی و نیز در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در اوستا این واژه به صورت بَنگه و در سانسکریت بهنگا آمده است» (عفیعی، ۱۳۸۳: ۶۲۲).

۲.۴ خوراک انوش

پس از آن‌که ارداویراف از معراج بازمی‌گردد موبدان از وی می‌خواهند که داستان معراج خود را برای آن‌ها شرح دهد و ارداویراف می‌گوید که به آدم گرسنه و تشنه نخست باید غذا داد و سپس از وی پرسید، پس: «دین دستوران فرمان دادند که خوراک انوش خوش خوراک خوب پخته‌شده و خوش‌بوی و خوردنی و آب سرد و می بیاورند» (ارداویراف‌نامه، ۱۳۷۲: ۵۰). منظور از خوراک انوش پادزهری است که خاصیت آن از بین بردن اثر مَنگ است. انوش هم‌چنین اکسیر بی‌مرگی و نوش‌داروی جوانی است.

۳.۴ درون و میزد

پس از بازگشت ارداویراف از معراج موبدان برای وی غذایی فراهم می‌کنند تا پس از رفع گرسنگی و تشنگی شرح سفر خود را باز گوید تا دبیران بنویسند: «آنان درون یشتند و ویراز باج گرفت و خوراک خورد و میزد انجام داد و باج بگفت» (همان: ۵۰).

کلمهٔ درون در اوستا به معنی نصیب، بهره، و دارایی است و اصطلاحاً به سهمی گفته می‌شود که در طی مراسم دینی به خدایان تقدیم می‌شود، «اما در آثار پهلوی و استعمال امروزی درون قرصه‌نان نازکی است که از خمیر برنیامدهٔ گندم درست می‌کنند ...» (مینوی نحر، ۱۳۷۶: ۹۳).

۴.۴ خوراک‌های ممنوعهٔ مذهبی

در ارداویراف‌نامه خوردن نسا، چرک، و مدفوع ممنوع شناخته شده است. در فصل ۹۸

همین کتاب از مجازات زن و مردی نوشته که «گوشت مردار خوردند و ببرک آبی (سگ آبی) را در آب کشتند و دیگر آفریده‌های اورمزدی را زدند و کشتند» (ارداویراف‌نامه، ۱۳۷۲: ۶۶). متن پهلوی اندرز دستوران به بهدینان علاوه بر این که خوردن گوشت مردار را نکوهش کرده دلیل مذهبی آن را نیز ذکر کرده است:

«اگر پرسیده شود که چرا گوشت مردار نخورند؟ گفته شود بدین سبب که دیوان در آن تباهی می‌کنند و آن به زیان مردمان می‌تواند باشد» (عقیقی، ۱۳۸۳: ۱۶۲).

البته همان‌طور که خوردن مردار و چرک و مدفوع در این جهان نکوهش شده در جهان دیگر خوردن آن به عنوان مجازاتی برای روان بدکاران در نظر گرفته شده است (همان: ۶۰). در ادامه فصل ۹۸ ارداویراف از مجازات سخت کسانی سخن می‌گوید که در گیتی خوراک و جامه از خود دریغ داشتند و به مستحقان نیز ندادند و خود و اطرافیان‌شان را گرسنه و بی‌جامه نگاه داشتند. در *اوستای نو* درباره غذای زنی که دچار عادت ماهیانه شده است می‌خوانیم:

«چه اندازه خوراک و چه اندازه نان باید برای او ببرند؟ تنها به اندازه دو دینار نان و به اندازه یک دینار شیربا (شیربرنج) تا مبادا نیرو بگیرد» (اوستا، ۱۳۸۵: ۲ / ۸۳۷). در روایت پهلوی خوردن همه جانوران مفید به غیر از سگ، کلاغ سیاه، کرکس، و مرغ شکاری توصیه شده است (بهار، ۱۳۶۲: ۹۸).

۵. رد پای پوشاک رایج جامعه ساسانی در ارداویراف‌نامه

در *ارداویراف‌نامه* اطلاعات باارزشی در این زمینه نیامده است.

۶. رد پای معماری رایج جامعه ساسانی در ارداویراف‌نامه

در چندین فصل از *ارداویراف‌نامه* می‌توان اطلاعاتی در زمینه نوع مسکن ایرانیان در دوره ساسانی پیدا کرد. نخستین نوع مسکن یا بنا که در فصل نخست کتاب به آن اشاره شده اماکن مذهبی است. در فصل نخست گفته می‌شود که اسکندر *اوستا* و *زند* را که با آب زر بر روی پوست گاو نبشته شده بود و در استخر پاپکان در دژنپشت نگه‌داری می‌شد سوزاند و از بین برد. پس مطابق نوشتار کتاب همواره جایگاهی خاص جهت نگه‌داری متون دینی وجود داشته است که آن‌ها را از خطر تغییر و تحریف و بلایای طبیعی دور نگاه دارند.

دومین بنای مذهبی که در فصل نخست کتاب ذکر شده است «آتشکده آذر فرنیغ» است که انجمن موبدان در آن گرد آمدند و با گرد آوردن هزاران ایرانی توانستند فرد مورد نظر خود را جهت معراج به عالم روحانی پیدا کنند. پس این آتشکده ویژه موبدان باید مکانی خاص و بسیار مهم و معروف بوده باشد که در بین تمامی آتشکده‌های ایران چنین امر مهمی در آن اتفاق افتاده و محل تجمع موبدان و مردم انتخاب شده است. «آذر فرنیغ نام یکی از آتشکده‌های مهم دوره باستان است که به طبقه روحانیان اختصاص داشته است» (عفی‌فی، ۱۳۸۳: ۴۱۶). کریستین سن مکان آتشکده آذر فرنیغ را کاریان فارس می‌داند (همان: ۴۱۷).

از سومین بنای مذهبی در فصل ۲ با عنوان «مان مینو» یاد شده است که گویا آتشکده‌ای بوده که در آنجا ایزد آذر به صورت مینوی ستایش می‌شده و روان ارداویراف در این آتشکده به معراج می‌رود. به نظر نگارنده این آتشکده احتمالاً بخشی از آتشکده آذر فرنیغ بوده و مانند بارگاه امام رضا (ع)، که از چندین صحن تشکیل شده، در زیرمجموعه آن قرار داشته است. در فصل ۲ کتاب هفت خواهر ارداویراف در مخالفت به معراج برادرشان خانواده خود را به خانه‌ای تشبیه کرده‌اند که هفت تیر دارد و یک ستون و اگر این یک ستون را بردارند هفت تیر می‌افتند. مطابق این بند از کتاب، نوعی از مسکن در دوره ساسانی خانه‌هایی با سقف چوبی بوده که ستونی از جنس چوب، خشت، آجر و ... آن‌ها را نگاه می‌داشته است و این نوع از خانه‌های چوبی امروزه نیز در مناطق روستایی کشورمان مرسوم است.

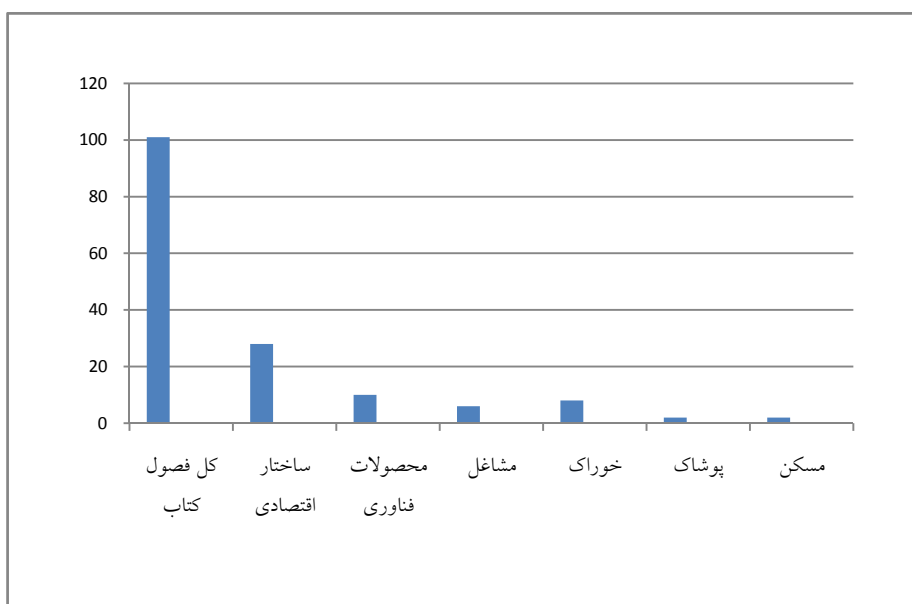
۷. نتیجه‌گیری

همان‌طور که در نمودار پیوست مشاهده می‌شود، درصد اندکی از ۱۰۱ فصل *ارداویراف‌نامه* به ساختارهای اقتصادی اختصاص یافته است. این خود به دلیل رویکرد مذهبی کتاب است. البته همین بخش اندک اختصاص یافته به ساختار اقتصادی نیز دارای درون‌مایه و رویکرد مذهبی است.

با نگاهی اجمالی به محتوای اندک اقتصادی کتاب به راحتی می‌توان به نوعی هم‌سویی و هماهنگی بین ساختارهای اقتصادی جامعه ساسانی و ساختارهای اقتصادی *ارداویراف‌نامه* دست یافت. در بخش ساختار خوراک‌ها مشاهده می‌شود که تمامی خوراک‌های نام‌برده شده در کتاب نظیر می و منگ گشتاسبی، درون و میزد، شربت

انوش و حتی خوراکی‌هایی که در دوزخ به دوزخیان داده می‌شود برخواسته از آیین زرتشت است و نه فقط در دیگر متون پهلوی نام برده شده‌اند بلکه دارای جنبه تقدیس یا تقبیح دینی نیز هستند.

در بخش ساختار مشاغل نوعی هماهنگی بین این مشاغل و ساختار طبقاتی جامعه ساسانی مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که مشاغل طبقه بزرگان و روحانیون، که در رأس طبقه اجتماعی هستند، جایگاه بالایی نیز در *ارداویراف‌نامه* دارند و ارزانیان و بردگان در پایین‌ترین جایگاه قرار گرفته‌اند. در بخش پوشاک و مسکن هر چند که مطلب اندکی در کتاب آمده، اما آن نیز پوششی مذهبی دارد و هم‌راستا با فرهنگ جامعه زرتشتی ساسانی است. در بخش محصولات دست‌سازه نیز تمامی این محصولات نظیر سنگ، قفیز، ترازو، و دلو علاوه بر جنبه اقتصادی کارکرد دینی نیز دارند به گونه‌ای که از آن‌ها گاه برای سنجش اعمال مجرمان و نیکوکاران و گاه برای مجازات گناه‌کاران استفاده می‌شود. پس با توجه به اطلاعات اقتصادی مندرج در کتاب می‌توان گفت که ساختارهای اقتصادی *ارداویراف‌نامه* کاملاً هم‌سو با ساختارهای اقتصادی نظام ساسانی‌اند. لذا *ارداویراف‌نامه* را می‌توان به منزله منبع معتبر دوره ساسانی قلمداد کرد که اطلاعات آن نمایان‌گر بخشی از ساختارهای گوناگون جامعه ساسانی است.



توزیع فراوانی درصد اختصاص یافته فصول *ارداویراف‌نامه* به ساختارهای اقتصادی

منابع

- آسانا، جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب (۱۳۷۱). *متون پهلوی*، ترجمه سعید عریان، تهران: کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ابن اسفندیار (۱۳۱۱). *نامه تنسر*، به سعی و کوشش مجتبی مینوی، تهران: چاپ‌خانه مجلس.
- اردویراف‌نامه* (۱۳۷۲). به کوشش فیلیپ ژینیو، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران: نشر معین.
- اوستا* (۱۳۸۵). ترجمه و گزارش جلیل دوستخواه، ج ۱ و ۲، تهران: گلشن.
- اینوستراتسف، کنستانتین (۱۳۵۱). *تحقیقاتی درباره ساسانیان*، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بروسیوس، ماریا (۱۳۸۵). *ایران باستان*، ترجمه عیسی عبدی، تهران: ماهی.
- بویس، مری (۱۳۷۵). *تاریخ کیش زرتشت پس از اسکندر گجسته*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، ج ۳، تهران: توس.
- بهار، مهرداد (۱۳۶۲). *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: توس.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، ج ۱، تهران: سخن.
- درخت آسوریک (۱۳۸۶). *ترجمه یحیی ماهیار نوابی*، تهران: فروهر.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳). *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- دیاکونف، م. م. (۱۳۸۰). *تاریخ ایران باستان*، ترجمه روحی ارباب، تهران: علمی و فرهنگی.
- رضی، هاشم (۱۳۸۲). *آیین مغان پژوهشی درباره دین‌های ایرانی*، تهران: سخن.
- روایت پهلوی* (۱۳۹۰). گزارش مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زند بهمین یسن* (۱۳۸۵). ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلیم، محمدنبی (۱۳۹۰). *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران‌زمین*، تهران: جامی.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۹). *تاریخ ساسانیان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شایست و ناشایست (۱۳۹۰). *ترجمه کتابیون مزداپور*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شوشتری (مهرین)، عباس (۱۳۴۲). *ایران‌نامه یا کارنامه ایرانیان در عصر ساسانیان*، تهران: آسیا.
- شپیمان، کلاوس (۱۳۹۰). *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه کیکاووس جهاناداری، تهران: فرزاد.
- عریان، سعید (۱۳۷۷). *واژه‌نامه پهلوی*، تهران: بی‌نا.
- عفیفی، رحیم (۱۳۸۳). *اساطیر و فرهنگ ایران*، تهران: توس.
- فرنغ دادگی (۱۳۸۵). *بندهش*، ترجمه و تصحیح مهرداد بهار، تهران: توس.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۸۴). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: نگاه.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۳). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ (۱۳۶۵). *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- مرد بهرامان، فرخ (۱۳۹۱). *مادیان هزار دادستان*، ترجمه و پژوهش سعید عریان، تهران: نشر علمی.
- مینوی خرد (۱۳۷۶). *ترجمه احمد تفضلی*، تهران: توس.

۷۲ بررسی ساختارهای اقتصادی ارداویرافنامه

- نفیسی، سعید (۱۳۸۳). *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، تهران: اساطیر.
- وهمن، فریدون (۱۳۵۵). *واژه‌نامه ارتای ویرازنامهک*، تهران: بی‌نا.
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۳). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- یشت‌ها (۱۳۷۷). ترجمه و تصحیح ابراهیم پورداوود، ج ۱-۲، تهران: اساطیر.